

برای زنانِ قربانی ؛ در « جهادِ نکاح » داعشی های
عراق ، ایران ، افغانستان نیجریه وو ...

کابوسِ ما هِ تاریک

حسن حسام

جارچیان :

مُنجیانِ پیروزِ مست
بر تلِ آبادی های فتح شده
بر مناره هاومعبر ها
به بانگ بلند ،

ندا می دهند:

دختران

همسرانِ کافران

بیوگان

حَرَم های مردانِ مغلوب !

ما فاتحانیم

به شمشیرِ آخته

آنک

حلال ما ئید

وحرام دوزخیان

با خلیفه ی مسلمین جهان

ابوبکر ا لبغدادی

بیعت کنید

فاتحان :

فاتحان را

از چشمه سارتان
سیراب نمائید
چشمه سارا نی که خدای آفرید
از برای شرب مردانِ جهادگر
دختران
همسرانِ کافران
بیوگان
کشتزارانِ مردانِ پیروز!
با فاحانِ مسلمان
به حجله درآیید
آراسته در عفاف حجاب

راویان :

پس آنگاه
مردانی بی چهره
پیچیده در سیاه جامه
دژم
تیره چشم
وخیره سر
باخنجری خون آلود
برشال کمر
و سر بریده مغلوبان
دردست
به حجله اندر شدند
تاکام از غنائم جنگی بستانند

شا هدان :

زنانِ آسیمه سر
اما

دربدر

در صحرای هول و شقاوت

برشطی از خون و ادرار

آهوا نی بودند

تک افتاده

بی یار

به چون بید بُنان ،

درمعبرتوفان

می لرزید ند

می لرزیدند

می لرزیدند

ودر هراسِ تبار خود

می سوختند

پژمرده می شد ند

می مُرد ند

وزمین

از چرا یی بودنِ خود

شرمگین بود

حسن حسام

نه ژوئیه دوهزارو چهارده پاریس